

## شناسایی عوامل موثر بر استقرار موفقیت آمیز برون سپاری در شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان شرقی

دکتر فرج الله رهنورد-دکتر حیدر محمدزاده سالطه -عباس طالب نژاد حکم آبادی

### چکیده

این پژوهش با هدف شناسایی عوامل موثر بر استقرار موفقیت آمیز برون سپاری در شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان شرقی انجام گرفته است. جامعه آماری این پژوهش تعداد ۳۰۰ نفر از مدیران، کارشناسان، مشاوران و پیمانکاران شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان شرقی در ستاد شرکت و مناطق تابعه آن مشغول فعالیت هستند و کل جامعه آماری به عنوان نمونه استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته است که روایی محتوایی و صوری پرسشنامه ها با نظر اساتید تایید شده و پایایی پرسشنامه ها نیز با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفت به طوریکه ضریب آلفای کرونباخ برای تمامی متغیرهای تحقیق بالای ۰/۷ به دست آمده است. آزمون مورد استفاده برای تحلیل داده ها شامل تحلیل عاملی اکتشافی و آزمون فریدمن است که با استفاده از نرم افزار SPSS16 انجام گرفته است. نتایج حاصل از آزمون تحلیل عاملی اکتشافی نشان داده است که عوامل موثر بر استقرار موفقیت آمیز برون سپاری در شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان شرقی به ترتیب تاثیر گذاری عبارتند از مدیریت فرایندها، نظارت و ارزیابی، حمایت از منابع انسانی، انتقال دانش، مدیریت ارتباطات. و نتایج حاصل از رتبه بندی فریدمن نشان دهنده این بود که انتقال دانش دارای بالاترین رتبه و بعد از آن نظارت و ارزیابی، مدیریت فرایندها، حمایت از منابع انسانی و مدیریت ارتباطات در اثر گذاری بر استقرار موفقیت آمیز برون سپاری را داشته است.

**کلید واژه:** برون سپاری، استقرار برون سپاری، شرکت آب و فاضلاب استان آذربایجان شرقی

### مقدمه

از زمان انقلاب صنعتی شرکت ها همواره در صدد بوده اند تا مزیت های رقابتی شان را برای افزایش سودآوری و سهم بازار ارتقا دهند. مدل و نگرش حاکم بر صنایع در دوره پس از جنگ جهانی دوم، یک شرکت بزرگ یکپارچه بود که هم مالک داراییهایش بود و هم مدیریت و کنترل فعالیتها را خود راسا بر عهده داشت. در آن دوره، متفکران متعددی همچون مارکس، کینز و ... در نظریه های خود مدیران برجسته ای همچون هنری فورد در عمل، جنبه های مثبت عملکرد اقتصادی صنایع بزرگ و تولید انبوه را مورد تاکید قرار می دادند و مدیران را به مجموعه سازی های مختلط و یکپارچه سازی در همه ابعاد آن ترغیب می کردند. به همین سبب در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، نگرش مشترک عبارت از تنوع بخشی به محصولات، گسترش شرکت و ... بود. تنوع بخشی و گوناگونی محصولات می توانست آنها را به حفظ سودشان امیدوار کند. در آن زمان گسترش شرکت، افزایش لایه های مدیریت را ایجاب می کرد. شرکت ها در ادامه تلاش خود و در شرایط رقابت برای بازارهای جهانی در دهه ۱۹۷۰، به این موضوع رسیدند که فاقد چابکی لازم برای رقابت پذیری هستند و با یک ساختار مدیریتی متورم مواجهند. نتیجه ای که از بررسی علل این موضوع حاصل شد این بود که استراتژی شرکت باید سمت و سویی معکوس پیدا کند و شرکتها برای افزایش انعطاف پذیری خلاقیت، بهتر است، توان و تلاش خود را تنها بر تعداد محدودی فعالیت متمرکز نماید. سازمانها در هزاره سوم دریافته اند که فعالیتها یی را که در آن توانمندی محوری ندارند را به تامین کنندگانی از خارج سازمان